# حدیث عنوان بصری

## خودسازی در کلام امام صادق علیه‌السلام


بسم الله الرحمن الرحیم

# ترجمه حدیث عنوان بصری

نویسنده:

امام جعفر صادق (ع)

ناشر چاپی:

انتشارات مسجد مقدّس جمکران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

# ترجمه حدیث عنوان بصری

## مشخصات کتاب

سرشناسه : حدیث عنوان بصری (فارسی – عربی عنوان و نام پدیدآور : ترجمه حدیث عنوان بصری دستورالعمل امام صادق علیه‌السلام به .../ [ترجمه واحد پژوهش انتشارات مسجد مقدس جمکران مشخصات نشر : قم : مسجد مقدس صاحب‌الزمان (جمکران ، ۱۳۸۴. مشخصات ظاهری : ص ۳۲ شابک : ۹۶۴-۸۴۸۴-۲۸-۷۱۰۰۰ ریال : وضعیت فهرست نویسی : فهرستنویسی قبلی یادداشت : فارسی – عربی یادداشت : فهرستنویسی براساس اطلاعات فیپا یادداشت : عنوان اصلی حدیث عنوان البصری نسخه الامام الصادق علیه‌السلام الاصحاب السیر و السلوک الی الله مع زیاره عاشورا. یادداشت : عنوان دیگر: عنوان بصری عنوان دیگر : عنوان بصری موضوع : احادیث خاص (عنوان بصری موضوع : احادیث شیعه -- قرن ۱۴ موضوع : زیارتنامه عاشورا شناسه افزوده : مسجد جمکران رده بندی کنگره : BP۱۴۵/ع ۹۰۴۱ ۱۳۸۴ رده بندی دیویی : ۲۹۷/۲۱۴ شماره کتابشناسی ملی : م۸۴-۹۳۱

## حدیث عنوان بصری

قالَ الصّادِقُ‌علیه السلام: اُوصِیکَ بِتِسْعَةِ اَشْیاءَ فَاِنَّها وَصِیَّتِی لِمُرِیدِی الطَّرِیقِ اِلَی اللَّهِ تَعالی امام صادق‌علیه السلام به «عنوان بصری» فرمود: تو را به نه چیز سفارش می‌کنم که آنها توصیه من به آرزومندان سیر و سلوک الی اللَّه است. روایت عنوان بصری یکی از دستور العمل‌های بسیار مهمّ وجود مقدّس امام صادق‌علیه السلام است که در بردارنده نکاتی نغز و بدیع در تهذیب نفس است که جهت استفاده تمامی پیروان مکتب نورانی ائمّه دین صادر فرموده‌اند. و بسیاری از عرفا، علما و بزرگان اخلاق اهتمام خاصی به این روایت شریف داشته‌اند، از جمله مرحوم آیت اللَّه العظمی سید میرزا علی قاضی طباطبایی‌قدس سره به ارادتمندان و شاگردان خود دستور می‌دادند که آن را بنویسند و عمل کنند و کراراً می‌فرمودند: «باید آن را در جیب خود داشته باشید و هفته‌ای یکی دو بار آن را مطالعه کنید.» و شاگردان خود را بدون التزام به مضمون این روایت نمی‌پذیرفتند. ذیلاً متن و ترجمه این روایت شریف را برای بهره‌مندی تمامی مشتاقان سلوک الی اللَّه ذکر می‌کنیم. مرحوم علامه مجلسی‌قدس سره در بحارالانوار(۱) می‌فرماید: حدیث عنوان بصری أَقُولُ: وَجَدْتُ بِخَطِّ شَیْخِنَا البَهائِی - قَدَّسَ اللَّهُ رُوحَهُ - ما هذا لَفْظُهُ: قالَ الشَّیْخُ شَمْسُ الدِّینِ مُحَمَّدُ بْنُ مَکِّی: نَقَلْتُ مِنْ خَطِّ الشَّیخِ اَحْمَدَ الفَراهَانِیِّ رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ عُنْوانِ البَصْرِی - وَکانَ شَیْخاً کَبِیراً قَدْأَتی عَلَیْهِ اَرْبَعَ وَتِسْعُونَ سَنَةً - قالَ: کُنْتُ اَخْتَلِفُ اِلی مالِکِ بْنِ اَنَسٍ سِنِینَ؛ فَلَمّا قَدِمَ جَعْفَرٌ الصّادِقُ‌علیه السلام المَدِینَةَ اخْتَلَفْتُ اِلَیْهِ وَاَحْبَبْتُ أنْ آخُذَ عَنْهُ کَما أَخَذْتُ عَنْ مالِکٍ. می‌گویم: به خط استادمان؛ بهاء الدین عاملی شیخ بهاء قدس سره روایتی را با این مضمون یافتم: «شیخ شمس الدین محمد بن مکی (شهید اول) گفت: من از خط شیخ احمد فراهانی رحمه الله از عنوان بصری؛ که پیرمردی سالخورده بود و از عمرش نود و چهار سال می‌گذشت نقل می‌کنم که او گفت: من سالیانی به نزد مالک بن انس رفت و آمد می‌کردم، زمانی که جعفر صادق‌علیه السلام به مدینه آمدند به محضر ایشان شرفیاب شدم و دوست داشتم همان‌طوری که از مالک تحصیل علم کرده بودم از ایشان نیز کسب علم کنم. فَقالَ لِی یَوْماً: اِنِّی رَجُلٌ مَطْلُوبٌ وَمَعَ ذلِکَ لِی اَوْرادٌ فِی کُلِّ ساعَةٍ مِنْ آناءِ اللَّیْلِ وَالنَّهارِ، فَلا تَشْغَلْنِی عَنْ ورْدِی وَخُذْ عَنْ مالِکٍ وَاخْتَلِفْ اِلَیْهِ کَما کُنْتَ تَخْتَلِفُ اِلَیْهِ. فَاغْتَمَمْتُ مِنْ ذلِکَ وَخَرَجْتُ مِنْ عِنْدِهِ وَقُلْتُ فِی نَفْسِی؛ لَوْ تَفَرَّسَ فِیَّ خَیْراً لَما زَجَرَنِی عَنِ الاِخْتِلافِ اِلَیْهِ وَالاَخْذِ عَنْهُ، فَدَخَلْتُ مَسْجِدَ الرَّسُولِ‌صلی الله علیه وآله روزی آن حضرت به من فرمودند: من مردی تحت نظرم(۲) علاوه براین در هر ساعت از شبانه روز اذکاری دارم که به آنها مشغول هستم. پس مرا از عبادتم غافل نکن، و علومت را از سالک و راهنمایت(مالک بن انس) بگیر و مثل گذشته با او رفت و آمد کن. از این ماجرا غمگین شدم و از محضرشان مرخّص شدم. با خودم گفتم: اگر در وجود من آثار خیر و هدایت به چشم حضرت می‌آمد، مرا از رفت و آمد و کسب علم از محضرشان منع

نمی‌فرمودند. بنابراین در مسیر خود داخل مسجد رسول اللّه‌صلی الله علیه وآله شدم وَسَلَّمْتُ عَلَیْهِ ثُمَّ رَجَعْتُ مِنَ الغَدِ اِلَی الرَّوْضَةِ وَصَلَّیْتُ فِیها رَکْعَتَیْنِ وَقُلْتُ: اَسْئَلُکَ یا اَللَّهُ یا اَللَّهُ اَنْ تَعْطِفَ عَلَیَّ قَلْبَ جَعْفَرٍ وَتَرْزُقَنِی مِنْ عِلْمِهِ ما أَهْتَدِی بِهِ اِلی صِراطِکَ المُسْتَقِیم. وَرَجَعْتُ اِلی داری مُغْتَمّاً وَلَمْ اَخْتَلِفْ اِلی مالِکِ بْنِ اَنَسٍ لِما اُشْرِبَ قَلْبِی مِنْ حُبِّ جَعْفَرٍ فَما خَرَجْتُ مِنْ داری إلّا اِلَی الصَّلوةِ المَکْتُوبَةِ حَتّی عِیلَ صَبْرِی فَلَمّا ضاقَ صَدْرِی تَنَعَّلْتُ وَتَرَدَّیْتُ وَقَصَدْتُ جَعْفَراً وَکانَ بَعْدَ ما صَلَّیْتُ العَصْرَ. و به آن حضرت سلام دادم و بیرون آمدم. سپس فردای آن روز به روضه مبارکه (بین قبر و منبر رسول خداصلی الله علیه وآله)برگشتم و دو رکعت نماز خواندم و عرض کردم: خدایا!، پروردگارا! قلب جعفرعلیه السلام را نسبت به من مهربان و متمایل فرما و از علمش مقداری روزی من کن که به وسیله آن به راه راست تو هدایت شوم. با همان حالت ناراحتی و اندوه به منزل برگشتم و چون دلم مالامال از محبت جعفرعلیه السلام شده بود با مالک بن انس رفت و آمد نکردم و از خانه‌ام بجز برای نماز واجب خارج نشدم، تا این که صبرم تمام شد. (روزی) پس از اقامه نماز عصر سینه‌ام تنگ شد و طاقتم به سر آمد نعلینم را به پا کرده، ردایم را پوشیده و قصد دیدار جعفر صادق‌علیه السلام نمودم. فَلَمّا حَضَرْتُ بابَ دارِهِ اِسْتَأْذَنْتُ عَلَیْهِ فَخَرَجَ خادِمٌ لَهُ، فَقالَ: ما حاجَتُکَ؟ قُلْتُ السَّلامُ عَلَی الشَّرِیفِ. فَقالَ: هُوَ قائِمٌ فِی مُصَلّاهُ. فَجَلَسْتُ بِحِذاءِ بابِهِ فَما لَبِثْتُ إلّا یَسِیراً اذْ خَرَجَ خادِمٌ فَقالَ: اُدْخُلْ عَلی بَرَکَةِ اللَّهِ. فَدَخَلْتُ وَسَلَّمْتُ عَلَیْهِ. فَرَدَّ السَّلامَ وَقالَ: اِجْلِسْ، غَفَرَاللَّهُ لَکَ. فَجَلَسْتُ. وقتی که به درب خانه آن حضرت رسیدم اجازه ورود خواستم. خادمی بیرون آمده و پرسید: چه می‌خواهی؟ گفتم: (آمده‌ام تا) به محضر شریف (امام صادق‌علیه السلام) عرض سلام کنم. گفت: او در محل نمازشان مشغول عبادت هستند. مقابل درب خانه حضرت نشسته و کمی درنگ کردم که خادمی از خانه خارج شد و گفت: به برکتی که خدا نصیب تو کرده داخل شو. وارد شده و بر آن حضرت سلام کردم. امام ضمن جواب سلام، فرمودند: بنشین، خداوند تو را بیامرزد. پس من نشستم. فَاَطْرَقَ مَلِیّاً، ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ وَقالَ: اَبُومَنْ؟ قُلْتُ: اَبُو عَبْدِاللَّهِ. قالَ: ثَبَّتَ اللَّهُ کُنْیَتَکَ وَوَفَّقَکَ یا اَبا عَبْدِاللَّهِ، ما مَسْئَلَتُکَ؟ فَقُلْتُ فِی نَفْسِی: لَوْ لَمْ یَکُنْ لِی مِنْ زِیارَتِهِ وَالتَّسْلِیم غَیْرُ هذَا الدُّعاءِ لَکانَ کَثِیراً. ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ ثُمَّ قالَ: ما مَسْئَلَتُکَ؟ فَقُلْتُ: سَأَلْتُ اللَّهَ اَنْ یَعْطِفَ قَلْبَکَ عَلَیَّ وَیَرْزُقَنِی مِنْ عِلْمِکَ وَاَرْجُو أنَّ اللَّهَ تَعالی أَجابَنِی فِی الشَّرِیفِ ما سَأَلْتُهُ. حضرت مدتی به حال تفکر، سرشان را پایین انداختند، سپس سر بلند کرده و فرمودند: کُنیه شما چیست؟ گفتم: اباعبداللّه. فرمودند: خداوند کُنیه شما را ثابت گردانده و تو را موفق کند. ای ابا عبداللّه، درخواستت چیست؟ (حضرت باز سر خود را به زیر انداخت و منتظر جواب من شد) با خودم گفتم: اگر بهره من ازاین زیارت و عرض سلام فقط همین دعا باشد خیری بزرگ و زیاد است. باز حضرت سرشان را بلند کرده و فرمودند: چه می‌خواهی؟ عرضه داشتم: از خداوند خواستم که قلب شما را نسبت به من مهربان کند و از علم شما روزی‌ام فرماید. و امید دارم خداوند آنچه را که درباره وجود شریف شما خواسته‌ام اجابت فرماید. فَقالَ: یا أَبا عَبْدِاللَّهِ! لَیْسَ العِلْمُ بِالتَّعَلُّم، اِنَّما هُوَ نُورٌ یَقَعُ فِی قَلْبِ مَنْ یُرِیدُ اللَّهُ تَبارَکَ وَتَعالی اَنْ یَهْدِیَهُ. فَاِنْ اَرَدْتَ العِلْمَ فَاطْلُبْ اَوَّلاً فِی نَفْسِکَ حَقِیقَةَ العُبُودِیَّةِ وَاطْلُبِ العِلْمَ بِاسْتِعْمالِهِ وَاسْتَفْهِمِ اللَّهَ یُفْهِمْکَ. قُلْتُ: یا شَرِیفُ! فَقالَ: قُلْ: یا اَبا عَبْدِاللَّهِ. قُلْتُ: یا اَبا عَبْدِاللَّهِ ما حَقِیقَةُ العُبُودِیَّةِ؟ قالَ: ثَلاثَةُ أَشْیاءَ؛ اَنْ لایَرَی العَبْدُ لِنَفْسِهِ فیما خَوَّ لَهُ اللَّهُ مِلْکاً لِأَنَّ العَبِیدَ لایَکُونُ لَهُمْ مِلْکٌ، حضرت فرمودند: ای اباعبداللّه! علم به آموختن نیست، علم نور است و در قلب کسی قرار می‌گیرد که خداوند تبارک و تعالی هدایت او را اراده فرموده باشد. بنابراین اگر علم می‌خواهی ابتدا باید حقیقت عبودّیت (بندگی) را در وجود خودت بخواهی و علم را با عمل کردن، طلب کنی و از خداوند طلب فهم کن تا (علم را) به تو بفهماند. عرض کردم: ای شریف. فرمودند: مرا اباعبداللّه صدا بزن. گفتم: ای ابا عبداللّه! حقیقت عبودّیت و بندگی چیست؟ فرمودند: سه چیز است؛ ۱- اینکه بنده خدا در مورد آنچه که پروردگار به او سپرده است برای خودش ملکیتی نبیند. چرا که بندگان مِلکی ندارند (مالک حقیقی خداوند تبارک و تعالی است) یَرَوْنَ المالَ مالَ اللَّهِ یَضَعُونَهُ حَیْثُ أَمَرَهُمُ اللَّهُ بِهِ وَلایُدَبِّرَ العَبْدُ لِنَفْسِهِ تَدْبِیراً وَجُمْلَةُ اِشْتِغالِهِ فِیما اَمَرَهُ تَعالی بِهِ وَنَهاهُ عَنْهُ. فَاِذا لَمْ یَرَ العَبْدُ لِنَفْسِهِ فِیما خَوَّلَهُ اللَّهُ تَعالی مِلْکاً هانَ عَلَیْهِ الاِنْفاقُ فِیما أَمَرَهُ اللَّهُ‌تَعالی اَنْ یُنْفِقَ فِیهِ. وَاِذا فَوَّضَ العَبْدُ تَدْبِیرَ نَفْسِهِ عَلی مُدَبِّرِهِ هانَ عَلَیْهِ مَصائِبُ الدُّنْیا وَاِذَا اشْتَغَلَ العَبْدُ بِما اَمَرَهُ اللَّهُ تَعالی وَنَهاهُ، إلّا یَتَفَرَّغُ مِنْهُما اِلَی المِراءِ

وَالمُباهاةِ مَعَ النّاسِ. و همه اموال را از آن خداونـد می‌بیننـد. و آن را در جایی قرار می‌دهد (مصـرف می کند) که خداوند امر فرموده است. ۲- بنده خدا برای خودش مصـلحت اندیشـی و تدبیر نمی کند(مصـلحت و تدبیر واقعی را در دست خداوند می‌داند). ۳- تمام اشـتغال او در کاری منحصـر شود که خداوند او را به آن امر یا از آن نهی فرموده است. پس اگر بنده خدا در آنچه که پروردگار به او سپرده است ملکیتی برای خودش نبینـد، در این صورت انفاق کردن برایش در چیزی که خداونـد امر فرموده است آسان می‌شود. و وقتی که تـدبیر امورش را به مدبّرش بسپرد (و اهل توکل شود) تحمل مصـیبت‌های دنیا برایش آسان می‌شود. و زمانی که به آنچه خداونـد امر ونهی کرده است مشـغول باشـد دیگر فرصتی برای خودنمـایی و فخرفروشـی به مردم پیـدا نمی کنـد. فَإذا اَكرَمَ اللَّهُ العَبْدَ بِهـذِهِ الثَّلاثَـةِ هانَ عَلَيْهِ الـدُّنْيا وَإبْليسُ وَالخَلْقُ. وَلايَطْلُبُ الدُّنْيا تَكاثُراً وَتَفاخُراً وَلايَطْلُبُ ما عِنْدَ النّاسِ عِزّاً وَعُلُوّاً وَلايَدْعُ اَيّامَهُ باطِلاً فَهذا أَوَّلُ دَرَجِـةِ التُّقى قالَ اللَّهُ تَبارَكَ وَتَعالى تِلْكَ الـدّارُ الآخِرَةُ نَجْعَلُها لِلَّذينَ لايُريدُونَ عُلُوّاً فِي الاَرْضِ وَلافساداً وَالعاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ. قُلْتُ: يا اَبا عَبْـدِاللَّهِ اَوْصِنِي؟ قالَ: اُوصِيكَ بِتِسْـعَةِ اَشْـياءَ فَإنَّها وَصِيَّتِي لِمُريدِي الطَّريقِ اِلَى اللَّهِ تَعالى پس وقتی که خداوند بنده را با این سه (خصـلت) گرامی بفرماید دنیا و ابلیس و مردم در نظرش کوچک خواهند بود. و دیگر دنیا را برای زیاده خواهی و فخر و مباهات به مردم و برای عزّت و جـاه طلبی آنچه را که نزد مردم است نمی‌خواهـد و عمرش را به بیهـودگی نمی گذرانـد. این اولین درجه تقـوا است که خداونـد تبارک و تعالی می‌فرمایـد: آن سـرای آخرت است که برای کسانی که در زمین قصـد بلند پروازی ندارند و دنبال فساد نمی گردند، قرار دادیم و سرانجام نیک، برای مردم با تقوا است. عرض کردم: ای اباعبداللَّه! به من توصیه‌ای بفرمایید. فرمودند: تو را به نُه چیز وصیت می کنم که آنها توصیه من به همه آرزومندان سیر و سلوک الی اللَّه است. وَاللَّهُ أسْالُ اَنْ يُوَفِّقَكَ لِاِسْتِعْمالِهِ؛ ثَلاثَةٌ مِنْها فِي رِياضَةِ النَّفْسِ وَثَلاثَةٌ مِنْها فِي الحِلْمِ وَثَلاثَةٌ مِنْها فِي العِلْمِ فَاحْفَظها وَإيَّاكَ وَالتَّهاوُنَ بِها. قالَ عُنْوانٌ: فَفَرَّغْتُ قَلْبِي لَهُ. فَقالَ: اَمَّا اللَّواتِي فِي الرِّياضَـةِ فَإيَّاكَ اَنْ تَأْكُلَ ما لاتَشْـتَهِيهِ فَإنَّهُ يُورِثُ الحِماقَةَ وَالبَلَهَ وَلاتَأْكُلْ إلّا عِنْـدَ الجُوعِ وَاِذا اَكَلْتَ فَكُلْ حَلالاً وَسَمِّ اللَّهَ وَاذْكُرْ حَـدِيثَ الرَّسُولِ‌صـلی الله علیه وآله: ما مَلَأَ آدَمِيٌّ وِعاءً شَرّاً مِنْ بَطْنِهِ. از خداونـد موفقیت تو را در عمل به آنها خواسـتارم. سـه مـورد آن در ریـاضت و تربیت نفس است و سه مورد آن در حلم و بردبـاری و صـبر است و سه امر دیگر آن در علم و دانش است. پس این وصایا را حفظ کن و به خاطر بسپار و مبادا در عمل به آنها سـستی کنی. عنوان بصری می گوید: من قلبم را (برای فراگیری علم حضـرت) آماده کردم. حضـرت فرمودند: اما آنچه که در ریاضت نفس است: ۱- مبادا چیزی را بخوری که به آن اشـتها نداری چون موجب حماقت و نادانی می‌شود. ۲- و تا گرسنه نشدی چیزی نخور. ۳- زمانی که غـذایی خوردی، با نام خدا و حلال باشد و حدیث رسول خدا را به یاد داشته باش که فرمودند: آدمی هیچ ظرفی بدتر از شکمش را پر نکرده است. فَإنْ كانَ وَلابُدَّ فَثُلْثٌ لِطَعامِهِ وَثُلْثٌ لِشَرابِهِ وَثُلْثٌ لِنَفَسِهِ. وَاَمَّا اللَّواتِي فِي الحِلْمِ: فَمَنْ قالَ لَكَ اِنْ قُلْتَ واحِدَةً سَـمِعْتَ عَشْراً فَقُلْ: اِنْ قُلْتَ عَشْراً لَمْ تَسْمَعْ واحِدَةً. وَمَنْ شَتَمَـكَ، فَقُـلْ لَهُ: اِنْ كُنْتَ صادِقـاً فِيمـا تَقُولُ فَأَسْـأَلُ اللَّهَ اَنْ يَغْفِرَلِي وَاِنْ كُنْتَ كاذِبـاً فِيما تَقُولُ فَاللَّهُ اَسْأَلُ اَنْ يَغْفِرَ لَكَ. وَمَنْ وَعَـدَكَ بِالْخَنى فَعِـدْهُ بِالنَّصِيحَةِ وَالرَّعاءِ. وَاَمَّا اللَّواتِي فِي العِلْمِ فَاسْأَلِ العُلَماءَ مَا جَهِلْتَ. وَاِيَّاكَ اَنْ تَسْأَلَهُمْ تَعَنُّتاً وَتَجْرِبَةً. پس اگر ناچار شد غذا بخورد، یـک سوم شـکمش را برای طعـام، و یـک سوم را برای آب و یـک سوم را برای تنفس قرار دهـد. اما آن سه موردی که در حلـم و بردبـاری است: ۱- اگر کسـی بـه تـو گفـت که اگر یکی بگـویی ده تـا می‌شـنوی. به او بگـو: اگر ده تـا بگـویی سـخنی هم نمی‌شـنوی (عفت کلاـم داشـته باش و از نزاع بپرهیز.) ۲- اگر کسـی به تـو دشـنامی داد به او بگـو: اگر راست می گویی از خـداوند می‌خواهم مرا ببخشد و اگر دروغ می گویی از خداوند می‌خواهم تو را ببخشد. ۳- و اگر کسی تو را تهدید به دشنام کرد تو او را به خیر خواهی (نصـحیت) و مراعاتش وعـده بـده. و اما آن سه امر دیگر که در علم و دانش است: ۱- آنچه را که نمی‌دانی از عالمـان بپرس و مبادا برای به زحمت انداختن و امتحان کردنشان سؤال کنی. وَاِيَّاكَ اَنْ تَعْمَلَ بِرَأْيِكَ شَـيْئاً. وَخُذْ بِالاِحْتِياطِ فِي جَمِيعِ ما تَجِدُ اِلَيْهِ سَبِيلاً وَاهْرُبْ مِنَ الْفُتْيـا هَرْبَكَ مِنَ الأَسَـدِ وَلاتَجْعَلْ رَقَبَتَكَ لِلنَّاسِ جِسْـراً. قُمْ عَنِّي يا اَباعَبْـدِاللَّهِ فَقَـدْ نَصَـحْتُ لَكَ وَلاتُفْسِـدْ عَلَيَّ وِرْدِي فَإنِّي امْرُءٌ ضَـنِينٌ بِنَفْسِي. وَالسَّلامُ عَلى مَنِ اتَّبَعَ الهُدى (۳) ۲- مبـادا بر اساس خود رأیی دست به کاری بزنی که علم نـداری و

در تمامی امور تا آنجا که ممکن است مسیر احتیاط را رها نکن. ۳- همان گونه که از شیر درنده فرار می‌کنی از فتوی دادن (فتوای بدون علم)(۴) بپرهیز و گردن خود را پـل عبور مردم نکن. ای ابا عبـداللّه! برخیز و برو که من برای تو خیر خواهی کردم. و ذکر من را خراب نکن چرا که من مردی هستم که بر گذشت عمرم دقت دارم و سلام بر کسی که از هدایت پیروی می‌کند.

## زیارت عاشورا

اَلسَّلامُ عَلَيْکَ يا أَباعَبْدِ اللَّهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْکَ يَابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، اَلسَّلامُ عَلَيْکَ يَابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْکَ يَابْنَ فاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسآءِ العالَمِينَ، اَلسَّلامُ عَلَيْکَ ياثارَ اللَّهِ وَابْنَ ثارِهِ وَالوِتْرَ المَوْتُورَ، اَلسَّلامُ عَلَيْکَ وَعَلَى الأَرْواحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنآئِکَ، عَلَيْکَ مِنِّي سَلامُ اللَّهِ أَبَداً ما بَقِيتُ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهارُ. يا أَباعَبْدِ اللَّهِ لَقَدْ عَظُمَتِ الرَّزِيَّةُ وَجَلَّتْ وَعَظُمَتِ المُصِيبَةُ بِکَ عَلَيْنا وَعلى جَمِيعِ أَهْلِ الإِسْلامِ، وَجَلَّتْ وَعَظُمَتْ مُصِيبَتُکَ فِي السَّماواتِ عَلى جَمِيعِ أَهْلِ السَّماواتِ، فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً أَسَّسَتْ أَساسَ الظُّلْمِ وَالجَوْرِ عَلَيْکُمْ أَهْلَ البَيْتِ، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً دَفَعَتْکُمْ عَنْ مَقامِکُمْ وَأَزالَتْکُمْ عَنْ مَراتِبِکُمُ الَّتِي رَتَّبَکُمُ اللَّهُ فِيها، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْکُمْ، وَلَعَنَ اللَّهُ المُمَهِّدِينَ لَهُمْ بِالتَّمْکِينِ مِنْ قِتالِکُمْ، بَرِئْتُ إِلَى اللَّهِ وَإِلَيْکُمْ مِنْهُمْ وَمِنْ أَشْياعِهِمْ وَأَتْباعِهِمْ وَأَوْلِيآئِهِمْ. يا أَباعَبْدِ اللَّهِ إِنِّي سِلْمٌ لِمَنْ سالَمَکُمْ وَحَرْبٌ لِمَنْ حارَبَکُمْ إِلى يَوْمِ القِيامَةِ، وَلَعَنَ اللَّهُ آلَ زِيادٍ وآلَ مَرْوانَ، وَلَعَنَ اللَّهُ بَنِي أُمَيَّةَ قاطِبَةً، وَلَعَنَ اللَّهُ ابْنَ مَرْجانَةَ، وَلَعَنَ اللَّهُ عُمَرَ بْنَ سَعْدٍ،وَلَعَنَ اللَّهُ شِمْراً، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً أَسْرَجَتْ وَأَلْجَمَتْ وَتَنَقَّبَتْ لِقِتالِکَ. بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي لَقَدْ عَظُمَ مُصابِي بِکَ، فَأَسْئَلُ اللَّهَ الَّذِي أَکْرَمَ مَقامَکَ وَأَکْرَمَنِي بِکَ أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثارِکَ مَعَ إِمامٍ مَنْصُورٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. اَللَّهُمَّ اجْعَلْنِي عِنْدَکَ وَجِيهاً بِالحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلامُ فِي الدُّنْيا وَالآخِرَةِ. يا أَباعَبْدِ اللَّهِ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ وَإِلى رَسُولِهِ وَإِلى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَإِلى فاطِمَةَ وَإِلَى الحَسَنِ وَإِلَيْکَ بِمُوالاتِکَ، وَبِالبَرآئَةِ مِمَّنْ قاتَلَکَ وَنَصَبَ لَکَ الحَرْبَ، وَبِالبَرآئَةِ مِمَّنْ أَسَّسَ أَساسَ الظُّلْمِ وَالجَوْرِ عَلَيْکُمْ، وَأَبْرَءُ إِلَى اللَّهِ وَإِلى رَسُولِهِ مِمَّنْ أَسَّسَ أَساسَ ذلِکَ وَبَنى عَلَيْهِ بُنْيانَهُ، وَجَرى فِي ظُلْمِهِ وَجَوْرِهِ عَلَيْکُمْ وَعلى أَشْياعِکُمْ، بَرِئْتُ إِلَى اللَّهِ وَإِلَيْکُمْ مِنْهُمْ وَأَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ إِلَيْکُمْ بِمُوالاتِکُمْ وَمُوالاةِ وَلِيِّکُمْ، وَبِالبَرآئَةِ مِنْ أَعْدآئِکُمْ وَالنّاصِبِينَ لَکُمُ الحَرْبَ، وَبِالبَرآئَةِ مِنْ أَشْياعِهِمْ وَأَتْباعِهِمْ، إِنِّي سِلْمٌ لِمَنْ سالَمَکُمْ وَحَرْبٌ لِمَنْ حارَبَکُمْ، وَوَلِيٌّ لِمَنْ والاکُمْ وَعَدُوٌّ لِمَنْ عاداکُمْ، فَأَسْئَلُ اللَّهَ الَّذِي أَکْرَمَنِي بِمَعْرِفَتِکُمْ وَمَعْرِفَةِ أَوْلِيآئِکُمْ، وَرَزَقَنِي البَرآئَةَ مِنْ أَعْدآئِکُمْ، أَنْ يَجْعَلَنِي مَعَکُمْ فِي الدُّنْيا وَالآخِرَةِ، وَأَنْ يُثَبِّتَ لِي عِنْدَکُمْ قَدَمَ صِدْقٍ فِي الدُّنْيا وَالآخِرَةِ، وَأَسْئَلُهُ أَنْ يُبَلِّغَنِي المَقامَ المَحْمُودَ لَکُمْ عِنْدَ اللَّهِ وَأَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثارِکُمْ مَعَ إِمامٍ هُدىً ظاهِرٍ ناطِقٍ بِالحَقِّ مِنْکُمْ وَأَسْئَلُ اللَّهَ بِحَقِّکُمْ وَبِالشَّأْنِ الَّذِي لَکُمْ عِنْدَهُ أَنْ يُعْطِيَنِي بِمُصابِي بِکُمْ أَفْضَلَ ما يُعْطِي مُصاباً بِمُصِيبَتِهِ مُصِيبَةً ما أَعْظَمَها وَأَعْظَمَ رَزِيَّتَها فِي الإِسْلامِ وَفِي جَمِيعِ السَّماواتِ وَالأَرْضِ. اَللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِي مَقامِي هذا مِمَّنْ تَنالُهُ مِنْکَ صَلَواتٌ وَرَحْمَةٌ وَمَغْفِرَةٌ.اَللَّهُمَّ اجْعَلْ مَحْيايَ مَحْيا مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ وَمَماتِي مَماتَ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ. اَللَّهُمَّ إِنَّ هذا يَوْمٌ تَبَرَّکَتْ بِهِ بَنُو أُمَيَّةَ وَابْنُ آکِلَةِ الأَکْبادِ، اللَّعِينُ ابْنُ اللَّعِينِ عَلى لِسانِکَ وَلِسانِ نَبِيِّکَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِوَآلِهِ فِي کُلِّ مَوْطِنٍ وَمَوْقِفٍ وَقَفَ فِيهِ نَبِيُّکَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. اَللَّهُمَّ الْعَنْ أَباسُفْيانَ وَمُعاوِيَةَ وَيَزِيدَ بْنَ مُعاوِيَةَ عَلَيْهِمْ مِنْکَ اللَّعْنَةُ أَبَدَ الآبِدِينَ، وَهذا يَوْمٌ فَرِحَتْ بِهِ آلُ زِيادٍ وآلُ مَرْوانَ بِقَتْلِهِمُ الحُسَيْنَ صَلَواتُ اللَّهِ عَلَيْهِ. اَللَّهُمَّ فَضاعِفْ عَلَيْهِمُ اللَّعْنَ مِنْکَ وَالعَذابَ الأَلِيمَ. اَللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْکَ فِي هذَا اليَوْمِ وَفِي مَوْقِفِي هذا وَأَيّامِ حَياتِي بِالبَرآئَةِ مِنْهُمْ وَاللَّعْنَةِ عَلَيْهِمْ وَبِالمُوالاتِ لِنَبِيِّکَ وآلِ نَبِيِّکَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلامُ. پس صد مرتبه می‌گویی: اَللَّهُمَّ الْعَنْ أَوَّلَ ظالِمٍ ظَلَمَ حَقَّ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ وَآخِرَ تابِعٍ لَهُ عَلى ذلِکَ، اَللَّهُمَّ الْعَنِ العِصابَةَ الَّتِي جاهَدَتِ الحُسَيْنَ وَشايَعَتْ وَبايَعَتْ وَتابَعَتْ عَلى قَتْلِهِ، اَللَّهُمَّ الْعَنْهُمْ جَمِيعاً. و صد مرتبه می‌گویی: اَلسَّلامُ عَلَيْکَ يا أَباعَبْدِ اللَّهِ وَعَلَى الأَرْواحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنائِکَ، عَلَيْکَ مِنِّي سَلامُ اللَّهِ أَبَداً ما بَقِيتُ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهارُ. وَلا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ العَهْدِ مِنِّي لِزِيارَتِکُمْ. اَلسَّلامُ عَلَى الحُسَيْنِ، وَعَلى عَلِيِّ بْنِ الحُسَيْنِ، وَعَلى أَوْلادِ الحُسَيْنِ، وَعَلى أَصْحابِ الحُسَيْنِ. پس می‌گویی: اَللَّهُمَّ خُصَّ أَنْتَ أَوَّلَ ظالِمٍ بِاللَّعْنِ مِنِّي، وَابْدَأْ بِهِ أَوَّلاً ثُمَّ الثّانِيَ وَالثّالِثَ وَالرّابِعَ. اَللَّهُمَّ الْعَنْ يَزِيدَ خامِساً، وَالْعَنْ عُبَيْدَ اللَّهِ بْنَ زِيادٍ وَابْنَ مَرْجانَةَ وَعُمَرَ بْنَ سَعْدٍ وَشِمْراً، وَآلَ أَبِي سُفْيانَ وَآلَ زِيادٍ وَآلَ مَرْوانَ إِلى يَوْمِ القِيامَةِ. پس به سجده رفته و می‌گویی: اَللَّهُمَّ لَکَ الحَمْدُ حَمْدَ الشّاکِرِينَ لَکَ عَلى

مُصابِهِمْ، اَلحَمْدُ للَّهِ عَلی عَظِیم رَزِیَّتِی. اَللَّهُمَّ ارْزُقْنِی شَفاعَهَٔ الحُسَیْنِ یَوْمَ الوُرُودِ وَثَبِّتْ لِی قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَکَ مَعَ الحُسَیْنِ وَأَصْحابِ الحُسَیْنِ الَّذِینَ بَذَلُوا مُهَجَهُمْ دُونَ الحُسَیْنِ عَلَیْهِ السَّلامُ.

## پی نوشت ها

۱) بحار الانوار، چاپ بیروت، ج ۱،ص ۲۲۴،کتاب العلم، باب ۷، آداب طلب العلم و احکامه. ۲) وجود مقدس امام صادق‌علیه السلام در دوران امامت شدیداً تحت نظر حکومت وقت بودند خصوصاً زمان منصور دوانیقی که نسبت به حضرت ظلم زیادی روا داشت تا آنجا که محل اقامت آن حضرت را سه بار تغییر داد و لذا رفت و آمد ایشان در مقاطعی به ویژه اواخر عمر در اختیار خودشان نبود. که این امر خود بیانگر خفقان حاکم بر جامعه و ترس بیش از حد حاکمان جائر از ارتباط مردم با امام‌علیه السلام است. ۳) بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۱ ص ۲۲۴ – ۲۲۶؛ الکوکب الدرّی فی شرح حدیث عنوان البصری، آیت اللّه حاج سید ابوالفضل نبوی قمی، بدون تاریخ و محل نشر؛ منیهٔ المرید، شهید ثانی، تصحیح رضا مختاری، ص ۱۴۹ – ۱۴۸ ۴) نظر قاطع دادن در امری که تخصص نداری، مثلاً نظر دادن در امور دینی بدون توجه به نظر فقیه.

## درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبِیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف ) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیتهای گسترده مرکز : الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و... د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه)تولید محصولات

نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و... ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹